

روایت‌هایی از تکوین اروپای مدرن

دکتر محسن صبوریان معتقدند ما دانش اجتماعی یا علمی که متکفل حیات اجتماعی افراد باشد را همیشه در طول تاریخ داشته‌ایم که ترکیبی بوده از **دیانت و سنت**. منتهی در دوره اخیر این علم باید متکفل بحران‌هایی می‌شد که تمدن سرمایه‌دارانه پدید آورده بود. **لذا علوم اجتماعی به معنایی که امروزه استفاده می‌کنیم مولود تمدن سرمایه‌دارانه غربی است**. در روایت‌هایی که از این پدیده (علوم اجتماعی) ارائه شده عمدتاً به تحولات، روحی، ذهنی و یا اندیشه‌ای اشاره می‌شود که در جلسات پیش هم به آنها اشاره شده منتهی روایت دیگری می‌توان از شکل‌گیری این پدیده داشت که **توجه به تحولات مادی و عینی را محور روایت خود قرار می‌دهد**. لذا ایشان تلاش می‌کنند تا توضیحی از تکوین اروپای مدرن ارائه دهند.

در رابطه با تکوین اروپای مدرن دو نظریه اصلی وجود دارد:

نظریه اول، که نظریه رایج و مورد قبول سنت نوسازی و مدرنیزاسیون هم هست از **تجربه خاص اروپایی صحبت می‌کند و بر ویژگی‌های خاص اروپایی تأکید دارند** (نگاه‌های یوروسنتزیستی) و اینکه چگونه غرب پیش رفت و شرق درجا زد.

در مقابل این نگاه، دیدگاه بدیلی است که **تجربه اروپایی را تجربه ویژه‌ای نمی‌داند و معتقد است یکسری علل و عواملی دست به دست هم دادند** که خیلی هم قصد اروپایی‌ها نبود ولی نتیجه ناخواسته این تحولات این شد که اروپا در ادامه جدال بین تمدن‌های قبلی از آنها پیش بیافتد. این روایت خیلی متأثر از روایت خانم پاترشیا کرون؛ مورخ غربی است. این روایت در واقع تجربه اروپایی را تجربه ویژه‌ای نمی‌داند و در واقع از اشکال دیگر تمدنی اعاده حیثیت می‌کند و برای ما روشن می‌کند که بقیه تمدن‌ها هم ظرفیت خوبی برای پویایی داشتند.